

رهبران جبهه ملی در زندان بودند، اما دکتر مهدی آذر که سرپرستی روابط خارجی جبهه ملی دوم را برعهده داشت و اخیراً آزاد شده بود با شاکری ملاقات کرد. آذر گفت که جبهه ملی دوم در داخل ایران در محدوده قانون اساسی و چارچوب‌های قانونی کشور عمل می‌کند، اما هواداران جبهه ملی در خارج از کشور آزادند تا به میل خود رفتار کنند مشروط بر آنکه استقلال عمل آنان به گونه‌ای باشد که جبهه ملی ایران در داخل کشور مسئولیتی در قبال عملکرد آنان نداشته باشد. شاکری که از این پاسخ آذر ناامید شده بود به اروپا بازگشت. مذاکره با دولت مصر در اروپا همچنان ادامه داشت تا سرانجام بدون گرفتن نتیجه به پایان رسید؛ چرا که مبارزان جبهه ملی اصرار داشتند تا نقطه نظرات خود را آزادانه و بدون دخالت مقامات مصری از رادیوپخش نمایند که این امر مورد تأیید مصری‌ها نبود. بالاخره مذاکرات قطع شد.<sup>۱</sup> در بهار ۱۹۶۴ شاکری طی سفری به الجزایر با پرزیدنت احمد بن بلا ملاقات کرد و او نیز وعده‌هایی برای مبارزه علیه شاه داد، شاکری پس از بازگشت به اروپا نتایج سفر را با همکارانش در جبهه ملی و از جمله علی شریعتی که خیلی نسبت به موضوع علاقه‌مند بود در میان گذاشت. شریعتی قول داد تا پس از بازگشت به ایران با طرح مزبور همکاری نماید. در تابستان ۱۹۶۴ هیئت دیگری از جبهه ملی به الجزایر رفت، آنها انتظار داشتند تا در این دیدار پروتکلی رسمی با مقامات الجزایر امضاء نمایند و بدین ترتیب از تجربه و مشکلاتی که با مقامات مصری داشتند اجتناب نمایند. اما ملاقات بن بلا به تعویق افتاد و هیئت مزبور ناچار به بازگشت به اروپا شد. رژیم بن بلا که دچار بحران داخلی شده بود خیلی زود سرنگون شد و ارتباط جبهه ملی با آن قطع گردید.<sup>۲</sup>

در همان زمان بعضی از فعالین اسلامگرا نیز با مقامات مصری تماس‌هایی برقرار کرده بودند. در اوایل سال ۱۹۶۲ علی شریعتی،

۱. مصاحبه خسرو شاکری.

۲. همانجا.

مصطفی چمران و ابراهیم یزدی شروع به جمع‌آوری و ترجمه مطالبی درباره جنگ‌های چریکی و ارسال پنهانی این جزوات به داخل ایران کردند. در سال ۱۹۶۳ شریعتی به شورای عالی جبهه ملی پیشنهاد کرد تا با تشکیل یک سازمان مخفی در درون جبهه ملی مقدمات انقلاب در ایران را فراهم نمایند. فعالین نهضت آزادی ایران در پاریس نیز یکی از اعضای خود را به الجزایر فرستادند تا درباره چگونگی آموزش جنگ‌های چریکی به داوطلبان ایرانی مقدمات لازم را فراهم نمایند. در دسامبر ۱۹۶۳ اولین هیئت نمایندگی نهضت آزادی که شامل چمران، یزدی و صادق قطب‌زاده بود وارد قاهره شدند، اما شریعتی که مخالف همکاری با مصری‌ها بود همراه آنان نرفت. این افراد کارشان را ادامه دادند تا سال ۱۹۶۴ که سازمان مخصوص اتحاد و عمل را به عنوان پایگاه‌شان در مصر ایجاد کردند. چمران وظیفه سرپرستی و برنامه‌ریزی و آموزش افرادی را داشت که از طریق گروه‌های تماس نهضت آزادی از ایران به مصر اعزام می‌شدند. به هر حال این تلاش‌ها نیز به نتایج عملی مطلوبی منجر نشد. در سال ۱۹۶۶ در بین مقامات مصری نارضایتی‌هایی نسبت به اعزام مبارزان ایرانی به مصر به وجود آمد که به انحلال سازمان یاد شده منجر گردید. ایرانیان احساس می‌کردند که موضع دولت مصر نه فقط ضدشاه بلکه ضد ایرانیست؛ مصری‌ها نیز شاکمی بودند که چرا ایرانی‌ها به نتایج عملی قابل توجهی دست نمی‌یابند.<sup>۱</sup>

### سازمان انقلابی حزب توده ایران

عامل دیگر رادیکالیزه شدن جنبش دانشجویان خارج از کشور جناح ناراضی درون حزب توده بود.<sup>۲</sup> در سال‌های ۶۴-۱۹۶۳ انشعابی که در

1. Chehabi, op.cit., pp. 196-99

۲. برای اطلاعات بیشتر درباره فعالین اسلامی بنگرید به همانجا، صص ۲۰۲-۱۹۹. تماس

بعن حزب توده در حال شکل‌گیری بود همزمان شد با اختلافاتی که در جنبش بین‌المللی کمونیسم به دلیل مخالفت حزب کمونیست چین بار رهبری اتحاد شوروی در بلوک سوسیالیسم پدیدار شده بود. در سال ۱۹۶۳ حزب کمونیست چین اعلام کرد تجربه سوسیالیزم در اتحاد شوروی شکست خورده و به جای آن سیستم سرمایه‌داری در شوروی رشد کرده است. در سال ۱۹۶۸ به دنبال حمله نیروهای پیمان ورشو به چکسلواکی، حزب کمونیست چین شوروی‌ها را «سوسیال امپریالیزم» یا قدرتی امپریالیستی که ماسک سوسیالیزم بر چهره زده است معرفی کردند. بالاخره در اوایل سالهای دهه ۱۹۷۰، چینی‌ها رسماً ادعا کردند که شوروی‌ها یک قدرت امپریالیستی به مراتب خطرناک‌تر از ایالات متحده هستند.<sup>۱</sup> بدین طریق در طول دهه ۱۹۶۰، مائوئیسم به صورت رقیب اصلی الگوی شوروی پدیدار شد و آثار رهبر حزب کمونیست چین مائوتسه تونگ نفوذ بسیاری یافتند. به ویژه آنکه در این نوشته‌ها برداشت ساده‌گرایانه‌ای از مارکسیزم را با ستایش جوامع دهقانی به مثابه نیروی اصلی انقلاب جهانی علیه «دو ابر قدرت» ترکیب می‌کردند.<sup>۲</sup> این

→

نهضت آزادی با مصر در مصاحبه خسرو شاکری آمده است. موضوع حمایت روحانیت برای مبارزه مسلحانه توسط آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در ناصر حریری، مصاحبه با تاریخ‌سازان، صص ۶۶-۷۰ آمده است. قطب‌زاده در سخنرانی ۱۹۶۵ خود چنین استدلال کرد «... از همان آغاز مبارزات ضد دیکتاتوری و ضد استعماری نیروی بالقوه انقلابی جامعه به طور دقیق برآورد نشد، و ما راه صحیح را نیز انتخاب نکرده بودیم، یعنی راهی که همراه با عملیاتی قهرآمیز باشد.» او همچنین مخالفت روحانیت با رژیم شاه را با توجه به زمینه‌های روستایی آنان با روستائیان ناراضی چین، کوبا، الجزایر و ویتنام مقایسه کرد و گفت انقلاب آنان نشان داد که «سرنوشت انقلاب ایران در روستاها تعیین می‌گردد نه در شهرها» قطب‌زاده این نطق را در یک اجتماع عمومی که به دعوت جبهه ملی سوم در ۲۱ ژوئیه ۱۹۶۵ که توسط سازمان جبهه ملی مونیخ برگزار شده بود، ایراد کرد، صص ۸-۹.

1. Scott Nearing, "World Events", *Monthly Review*, (June 1969)

۲. برای آگاهی از آراء مائو در این زمینه بنگرید به ←

چشم‌انداز نوین انقلابی با ویژگی‌های جهانشمولی خود که هم با اتحاد شوروی هم با ایالات متحد مخالفت می‌کرد، نه فقط برای مبارزان چپگرا بلکه برای عناصر ناسیونالیست رادیکال نیز جذابیت داشت. در یک چنین حال و هوایی بود که ناراضیان حزب توده و عناصر چپگرای جبهه ملی پیش از پیش بهم نزدیک شدند، هر دو گروه از مواضع چین در مقابله با ابرقدرت‌ها حمایت و از خط مشی و ضرورت مبارزه مسلحانه انقلابی با الگوی چینی و کوبایی دفاع می‌کردند.<sup>۱</sup>

در سال ۱۹۶۳ جناح ناراضی حزب توده در اروپا به شکل قابل ملاحظه‌ای رشد کرده بود بدون اینکه به انشعابی تشکیلاتی دست بزنند. بدین ترتیب پیش از تشکیل رسمی یک سازمان جدید در سال ۱۹۶۴ انشعابی تدریجی در حزب توده در حال تکوین بود و اکثریت قابل ملاحظه‌ای از فعالین حزبی را در اروپا تحت تأثیر خود قرار داده بود.<sup>۲</sup> در فوریه ۱۹۶۴ «کنفرانس مقدماتی» برای آنچه که بعدها سازمان انقلابی

→

Mao Tse-Tung, *Selected Works*, vol 1. (Peking, 1965-77) و برای آگاهی از جوانب

گسترده‌تر این جهان‌بینی بنگرید به

Roland Lew, "Maoism, Stalinism and the Chinese Revolution" in Tarig Ali (ed),

*The Stalinist Legacy*, Penguin, 1984 pp.287-95

۱. در اوایل سال ۱۹۶۴ ارگان جبهه ملی، ایران آزاد مقاله‌ای به جانبداری از چین نوشت و طی آن چنین استدلال کرد که اتحاد شوروی در اردوی ایالات متحد است، حال آنکه چنین بخشی از جهان عقب مانده است. ایران آزاد، دوره سوم شماره ۲۶، نوامبر ۱۹۶۴، ص ۳. در این دوران ایران آزاد مواضعی سوسیالیستی اتخاذ کرده بود در همین شماره بخشی از قطعنامه دومین کنگره سازمانهای جبهه ملی در اروپا خواستار ملی شدن ابزار تولید و توزیع عادلانه ثروت می‌شود. گرایشات مشابهی در جناح جبهه ملی مستقر در ایالات متحده با انتشار سلسله مقالات و یادداشت‌هایی درباره روابط ایران و شوروی وجود دارد. بنگرید به دانشجو، شماره‌های ۳ و ۴ و ۵، ۶۴-۱۹۶۳.

۲. مصاحبه با حسن فاضلی، پاریس ۲۲ فوریه ۱۹۹۰ و مجید زربخش، فرانکفورت، ۱۳ ژوئن

حزب توده ایران نام گرفت و در ادبیات سیاسی معاصر از آن به عنوان سازمان انقلابی یاد می‌شود، برگزار شد. محل برگزاری جلسات اتاق کافه‌ای در مونیخ بود و شرکت‌کنندگان از اعضاء یا هواداران جوان‌تر حزب توده بودند که اعتقاد داشتند کادر رهبری حزب «تجدید نظر طلب» و «رفورمیست» هستند در حالیکه خود آنان به «خط مشی انقلابی، مبارزه مسلحانه و تشکیل حزب طبقه کارگر ایران» معتقد بودند.<sup>۱</sup> از نقطه نظر سیاسی و تشکیلاتی، سازمان انقلابی هنوز به طور کاملاً آشکار شکل نگرفته بود، اما این مبارزان جوان بر ضرورت مبارزه مسلحانه چریکی با یکدیگر توافق داشتند و در عین حال از انقلاب چین و کوبا که مخالف الگوی شوروی برای دستیابی به سوسیالیزم بود نیز هواداری می‌کردند. طبق گفته یکی از این افراد آنها می‌خواستند تا بار دیگر شور و امید به مبارزه را در دل‌ها برانگیزانند، آرزو داشتند تا مردم تهران شب هنگام نظاره‌گر شعله‌های آتشی باشند که از اردوگاه چریک‌ها برفراز کوه دماوند زبانه می‌کشد. برنامه عملی آنها این بود که داوطلبانی را برای آموزش نظامی به چین یا کوبا گسیل دارند و سپس آنها را در تیم‌های کوچک چریکی ۷ یا ۸ نفره به ایران اعزام نمایند.<sup>۲</sup>

در همان سال (۱۹۶۴)، پرویز نیکخواه همراه با گروه کوچکی از فعالین کنفدراسیون در بریتانیا که به سازمان انقلابی گرایش داشتند، عازم ایران شدند. نیکخواه زمانی که بعنوان یکی از اعضاء هیئت نمایندگی کنفدراسیون در یک کنفرانس دانشجویی در آفریقا شرکت داشت، تماس‌هایی با مقامات چینی برقرار کرد و آنان موافقت کردند تا گروه‌هایی از ایرانیان را برای آموزش انقلابی بپذیرند. پس از آن نیکخواه همراه تنی چند از رفقای سابقاً توده‌ای‌اش در بریتانیا تصمیم گرفتند که به ایران

۱. تهرانی به نقل از شوکت، پیشین، ص ۱۳۱.

۲. همانجا.

برگردند، اوضاع و احوال داخل کشور را مطالعه کنند و برای فعالیت بیشتر اقدامات لازم را به عمل آورند. در سال ۱۹۶۴ و قبل از انشعاب حزب توده، جناح ناراضی حزب، بیژن حکمت را به ایران اعزام کرد تا با نیکخواه ملاقات و چگونگی تشکیل یک سازمان مستقل برای مبارزه مسلحانه در داخل کشور را بررسی و به بحث و تبادل نظر پردازند. قرار بر این شد تا ناراضیان حزب توده در خارج از کشور کادرهای نظامی را آموزشی داده و آنان را برای پیوستن به این سازمان به داخل کشور گسیل دارند.<sup>۱</sup>

ظهور تدریجی و شکل‌گیری سازمان انقلابی از همان آغاز شکلی پیچیده داشت. نشریات رسمی سازمان تاریخ پیدایش موجودیت آن را از سال ۱۹۶۴ یعنی زمان تشکیل «کنفرانس مقدماتی» اعلام می‌کنند و یا تاریخ آنرا حداقل به زمان تشکیل اولین کنگره در سال ۱۹۶۵ می‌رسانند.<sup>۲</sup> در حقیقت تا اواخر سال ۱۹۶۶ دست کم هفت شماره از نشریه توده ارگان رسمی سازمان انقلابی انتشار یافته بود.<sup>۳</sup> اما حتی پس از تشکیل اولین کنگره سازمان در سال ۱۹۶۵ در تیرانای آلبانی یک جناح از سازمان انقلابی همچنان خود را به طریقی وابسته به حزب توده می‌دانست، در حالی جناحی دیگر تأکید داشت که ابتدا سازمانی برای مبارزه مسلحانه تشکیل گردد و سپس به تعیین مواضع سیاسی آن پرداخته شود.<sup>۴</sup> عنوان

۱. همانجا، صص ۲۰-۱۱۹ و ۱۳۱ و مصاحبه با بیژن حکمت، پاریس ۲۱ فوریه ۱۹۹۰.  
نیکخواه در محاکمه‌اش به ملاقات با حکمت اشاره می‌کند و می‌گوید که بیژن حکمت برایش مواد منفجره تهیه کرده است. اگرچه این موضوع حقیقت نداشت، ولی اخطاری بود به حکمت که فعالیت‌هایش مورد شناسایی ساواک قرار گرفته است و اینکه او نباید به ایران بازگردد. مصاحبه با حکمت.

۲. رک به پیش به سوی وحدت اصولی مارکسیست لنینیستها (سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور، ۱۹۶۹)، ص ۳.

۳. همانجا، ص ۵.  
۴. مصاحبه با حکمت.

رسمی جدید سازمان یعنی «سازمان انقلابی حزب توده ایران» همچنین بیانگر نوعی ارتباط با حزب توده بود. به هر حال همه گرایش‌های سازمان انقلابی بر سر این موضوع توافق داشتند که باید هر چه زودتر به ایران باز گردند و مبارزات مسلحانه را آغاز نمایند. اعضای کمیته اجرایی که در تیرانا انتخاب شده بودند ترکیبی به شرح زیر داشت: محسن رضوانی، بیژن حکمت، کوروش لاشایی و بیژن چهارازی. فریدون کشاورز از اعضای قدیمی‌تر حزب که رابطه‌اش را از خیلی پیشتر با حزب قطع کرده بود نیز در جلسه حضور داشت اما در کادر رهبری انتخاب نشد و بعدها نیز از فعالیت‌های سازمان انقلابی کناره گرفت. بیژن چهارازی و سیروس نهاوندی پس از این کنفرانس عازم ایران شدند.<sup>۱</sup>

منشعبین حزب توده از همان آغاز دچار اختلافات درونی بودند. در پاییز ۱۹۶۴، هفت عضو سازمان انقلابی از آن جدا شدند و گروه دیگری را تشکیل دادند که در ژانویه ۱۹۶۵ نشریه رسمی خود را با عنوان توفان (دوره دوم) منتشر کرد. بعدها در ژوئیه ۱۹۶۷ این گروه تشکیل سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان را اعلام کرد.<sup>۲</sup> در زمستان ۱۹۶۵ سه عضو ارشد کمیته مرکزی حزب توده؛ احمد قاسمی، غلامحسین فروتن و عباس سقایی از حزب توده اخراج شدند. فعالین سازمان انقلابی با آنان تماس گرفتند و کمک کردند تا آلمان شرقی را ترک کنند. این افراد نیز بعدها به سازمان انقلابی پیوستند. فروتن و قاسمی در دومین کنگره سال ۱۹۶۵ در مقام دبیران کمیته اجرایی سازمان انقلابی انتخاب شدند. این کنگره تشکیل یک سازمان جدید را رسماً اعلام و خط سیاسی «التقاطی» را برمبنای پذیرش توأم الگوهای انقلابات کوبا و چین اعلام کردند. با این

۱. مصاحبه با زربخش، فرانکفورت ۱۳ ژوئن ۱۹۹۰ و مصاحبه با حکمت.

۲. تاریخ تشکیل توفان در پیش به سوی وحدت اصولی مارکسیست لنینیستها، صص ۵۲ و ۵۶ آمده است.

حال سیاست قاطعی نیز در قبال حزب توده در پیش نگرفتند. چندتن از فعالین دیگر مثل بهمن بهادری قشقایی و عطا و ایرج کشکولی در این زمان به ایران عازم شدند.<sup>۱</sup> اما سه رهبر پیشین حزب توده یعنی فروتن، قاسمی و سقایی در مقام مخالفت شخصی و سیاسی با سازمان انقلابی برآمدند. آنها تأکید داشتند که حزب توده در دوران استالین، حزب طبقه کارگر ایران بوده است و به همین جهت وظیفه سازمان انقلابی عبارتست از احیاء سنت‌های انقلابی حزب. اما دیگر رهبران سازمان انقلابی معتقد بودند حزب توده هرگز یک حزب راستین انقلابی طبقه کارگر نبوده و لذا تشکیل حزبی اصیل باید در دستور کار قرار گیرد. در اواخر سال ۱۹۶۶ رهبران پیشین حزب توده از سازمان انقلابی اخراج شدند و به گروه توفان پیوستند.<sup>۲</sup>

همان‌گونه که روند انشعاب حزب توده به پیش می‌رفت، محافل جبهه ملی و نیز جامعه سوسیالیستها آگاهانه سعی داشتند بر تحولات درونی حزب تأثیر گذاشته و با عناصر ناراضی آن همکاری کنند. گرایش به چپ تشکیلات جبهه ملی که تحت تأثیر مائوئیسم و کاستروئیسم سیر می‌کرد و نیز تحرکات تاکتیکی این افراد، مانند سعی در همکاری با ناراضیان حزب توده برای جذب آرای بیشتر در کنگره‌های سال ۱۹۶۴ قبلاً مورد اشاره قرار گرفت.<sup>۳</sup> در سال ۱۹۶۵، جبهه ملی آماده شده بود تا یک نفر از

۱. مصاحبه‌های حکمت و زربخش.

۲. اطلاعات مربوط به سازمان انقلابی و توفان از تهرانی در شوکت صص ۱۴۲-۱۳۵ و نیز مصاحبه‌های حکمت و زربخش گرفته شده است. برای اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر درباره مواضع اولیه سازمان انقلابی و توفان رک به پیش به سوی وحدت اصولی مارکسیست‌لنینیستها و نامه به رفقا، سازمان مارکسیست‌لنینیستی توفان، نشریه شماره ۶، ۱۹۶۸.

۳. به یادداشت پیشین و فصل ۵. علاوه بر این موضوع همگرایی دیدگاههای جبهه ملی و جناحهای سازمان انقلابی در کنفدراسیون در مصاحبه‌های خسرو شاکری، علی شاکری و ابوالحسن بنی‌صدر نیز آمده است.



سازمان انقلابی را برای عضویت در دبیرخانه کنفدراسیون بپذیرد. جامعه سوسیالیستها در اروپا نیز در حالی که هنوز به وقوع برخی تحولات مثبت در شوروی معتقد بود حملات شدید خود را علیه شوروی به دلایل مشخص، و از جمله حمایت آن کشور از رژیم شاه ادامه می داد<sup>۱</sup> در زمان انشعاب حزب توده در سال‌های ۶۴-۱۹۶۳، جامعه سوسیالیست‌ها نوک حملات خود را متوجه رهبری حزب توده کردند، در حالی که اعضاء آن حزب را مورد حمایت قرار می دادند و از آنان می خواستند تا برای تشکیل یک جناح نیرومند چپ و متحد به جامعه سوسیالیستها پیوندند.<sup>۲</sup> رهبران حزب توده عملکرد سوسیالیستها را یک حرکت تاکتیکی با هدف تشویق اعضای حزب به انشعاب و تشکیل سازمان سیاسی جدید تلقی می کردند.<sup>۳</sup> معذالک، کمیته مرکزی حزب توده طی نامه‌ای سرگشاده خطاب به جامعه سوسیالیستها، اعلام آمادگی کرد که این حزب حاضر است تا درباره اختلافات مابین دو سازمان به بحث و گفتگو بنشیند.<sup>۴</sup>

### کنفدراسیون در گذار: کنگره چهارم (۱۹۶۵)

دیری نگذشت که گردش به چپ نیروهای سیاسی در داخل و خارج کشور در کنفدراسیون دانشجویی بازتاب یافت. قطعنامه‌های کنگره چهارم کنفدراسیون نشانگر گذار این سازمان به یک موضع انقلابی است. کنگره در روزهای سوم تا هفتم ژانویه ۱۹۶۵ در کلن آلمان غربی و با حضور ۵۰ نماینده و ۱۵۰ ناظر برگزار شد. قطعنامه‌های سیاسی آن

۱. بنگرید به «نامه سرگشاده کمیته مرکزی جامعه سوسیالیست‌های ایران در اروپا خطاب به کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی» در سوسیالیزم، شماره ۱ دسامبر ۱۹۶۳.

۲. رک به سوسیالیزم، شماره ۲، ژانویه ۱۹۶۴، صص ۱-۳.

۳. رک به مردم، سال پنجم، شماره ۸۱، آوریل ۱۹۶۴، صص ۳ و ۱. بخشی از نامه سرگشاده جامعه سوسیالیست‌ها در اینجا نیز آمده است.

۴. رک به مردم، سال پنجم، شماره ۸۲، ۲۲ مه ۱۹۶۴، صص ۱ و ۳.

خواستار آزادی مصدق بود و او را همچنان «رهبر و مظهر جنبش ملی ایران» می‌نامید و تبعید آیت‌الله خمینی را محکوم می‌کرد و از دبیرخانه می‌خواست تا برای حمایت از وی به فعالیت‌هایش ادامه دهد. دخالت خودسرانه شاه در امور سیاسی مثل گذشته محکوم و اقدامی بر خلاف قانون اساسی دانسته شد. اما اکنون برای اولین بار کنفدراسیون مشروعیت قانونی «رژیم ایران» را بعد از کودتای ۲۸ مرداد مردود دانست. همه انتخابات مجلس و قوانین مصوب آن و از جمله همه‌پرسی ۱۹۶۳ انقلاب سفید غیرقانونی اعلام شدند. اعطای حق مصونیت دیپلماتیک به افراد آمریکایی مقیم ایران مشخصاً محکوم شد. در مورد مسائل بین‌المللی قطعنامه‌های صادره، ایالات متحده را به دلیل حمایت از رژیم شاه و نیز تجاوز به ویتنام و جمهوری دومینیکن محکوم کرد و سیاست‌های برتری نژادی به‌ویژه در ایالات متحده و آفریقای جنوبی محکوم شدند. از جنبش اعراب فلسطینی برای دستیابی به استقلال حمایت و اسرائیل را محکوم کردند. پشتیبانی شوروی‌ها از رژیم شاه که نماینده «ارتجاعی‌ترین طبقات جامعه ایران» و در نهایت «دست‌نشانده امپریالیسم جهانی به رهبری ایالات متحده» نامیده می‌شد، نیز مورد حمله قرار گرفت.<sup>۱</sup>

در عین حال اشاره به این موضوع نیز وجود داشت که موضع‌گیری‌های جدیدی مثل بحث درباره ماهیت طبقاتی رژیم، باعث شده تا کنفدراسیون پایش را فراتر از چارچوب قانون اساسی بگذارد. با در نظر گرفتن این مسئله کنگره قطعنامه‌ای را به تصویب رساند که براساس آن دبیرخانه ۱۹۶۵ موظف می‌شود تا «سمینار ویژه‌ای را برای مطالعه و بحث درباره تغییر استراتژی و خط مشی کلی کنفدراسیون»

۱. رک به قطعنامه سیاسی در ماهنامه کنفدراسیون، سال دوم، شماره ۱، مارس ۱۹۶۵،

تشکیل دهد. این سمینار با عنوان «سمینار خط مشی» از تاریخ ۴ تا ۷ ژوئن ۱۹۶۵ در دوسلدورف آلمان با حضور ۵۰ نماینده از کشورهای اروپایی، فعالین قدیمی کنفدراسیون و نمایندگان از اتحادیه بین‌المللی دانشجویان و کنفرانس بین‌المللی دانشجویی برگزار شد.

این نشست بیانیه‌ای را جهت بحث و تبادل نظر به همه واحدهای کنفدراسیون تصویب کرد. بیانیه از نظر نگرش سنجیده‌ای که نسبت به پنج سال تجربه کنفدراسیون اروپایی و سه سال تجربه کنفدراسیون جهانی دانشجویی داشت، حائز اهمیت است. در آن این نکته پذیرفته شد که کنفدراسیون پس از متحد کردن همه دانشجویان ایرانی که در خارج از کشور پراکنده بودند به سرعت به سازمانی «افراطی» بدل شده است. این امر ممکن است با توجه به شرایط موجود در ایران قابل فهم باشد، اما نباید همچنان بدون کنترل ادامه یابد. اولین بیانیه کنفدراسیون اروپایی در هامبورگ تعهد خود را نسبت به «منافع وطنپرستانه» اعلام داشت، اما کنفدراسیون به تدریج این تعهد را به صورت مبارزه برای سرنگونی رژیم ایران تعبیر کرد. چنین هدفی ممکن است مورد تأیید باشد، اما کنفدراسیون نمی‌تواند وسیله‌ای برای دستیابی به آن تلقی شود. کنفدراسیون یک تشکیلات دانشجویی است و وظیفه دارد نمایندگی ۲۰۰۰۰ دانشجوی ایرانی خارج از کشور را که به بسیاری از آنان نیز دسترسی ندارد، برعهده گیرد. برای جبران این اشکالات توصیه شد کنفدراسیون به جای آنکه وقت و برنامه خود را به شعارهای انقلابی و نفی رژیم اختصاص دهد توجه خود را بر روی موضوعات مشخص‌تر و خواست‌های واقع‌بینانه‌تری متمرکز سازد. در خاتمه، سمینار خط‌مشی چنین نتیجه‌گیری کرد که تلقی کنفدراسیون از نقش انقلابی دانشجویان و ماهیت سیاسی سندیکالیسم دانشجویی باید همچنان حفظ گردد و مادام که سرکوب دولت ایران مانع از تشکیل اتحادیه ملی دانشجویان در داخل

کشور می‌گردد کنفدراسیون یا همان سندیکاى دانشجوى باید نمایندگى دانشجویان ایرانى را برعهده گیرد. این موضعگیرى در عین حال با پذیرش این مهم همراه بود که کنفدراسیون زمانى خود را مستقیم درگیر نبردى سیاسى علیه رژیم خواهد کرد که جنبش انقلابى در ایران به نقطه حساس و خیزش همگانی رسیده باشد. تا فرا رسیدن این زمان کنفدراسیون می‌بایست وظایفى را که جنبه «آماده‌سازى» و «دفاعى» داشته باشند، به عهده بگیرد. اولین وظیفه آن سیاسى کردن دانشجویان جوان ایرانى و آشنا کردن آنان با ماهیت رژیم بود. دومین وظیفه عبارت بود از دفاع منظم از حقوق دموکراتیک دانشجویان در مقابله با تجاوزات و مداخلات نامشروع دولت در خارج و به‌ویژه علیه سرکوب خشونت‌آمیز آن در داخل ایران.<sup>۱</sup> چنانکه خواهیم دید اگرچه کنفدراسیون در درازمدت به نحوى قابل توجه و موفقیت‌آمیز به دو هدف یاد شده دست یافت ولى در عین حال تغییر شکل آن به یک تشکیلات سیاسى تمام عیار، بی‌کم و کاست و با شدت هر چه بیشتر ادامه یافت.

کنگره سال ۱۹۶۵ کنفدراسیون قطعنامه‌ای اقتصادى را نیز به تصویب رساند که بیانگر تحلیلى شبه مارکسیستى از جامعه ایران بود و این جامعه را در گذار از «آخرین مرحله فئودالیسم» به نوعى سیستم سرمایه‌دارى وابسته که حافظ منافع خارجیان است تحلیل مى‌کرد. اصلاحات شاه را محکوم به شکست مى‌دانست چون محصولات کشاورزى کاهش یافته و صنایع داخلی نیز تحت اقتصاد درهای باز رژیم شاه قادر به رقابت با صنایع مشابه خارجى نبودند، سپس یک سلسله سیاست‌های جایگزین پیشنهاد شد. از جمله آنکه زمین مجانى در اختیار کشاورزان قرار گیرد و بهبود وضع کشاورزى از طریق مکانیزه کردن زمین‌های زراعتى همراه با

۱. رک به قطعنامه و جمع‌بندى از سمینار خط مشى که در ماهنامه کنفدراسیون نیز به چاپ رسیده است، سال دوم، شماره ۳، ژوئیه ۱۹۶۵، صص ۴-۱.

تهیه و تأمین بذر کشاورزی، کودشیمیایی و آب در دستور کار قرار گیرد. اقتصاد ملی کشور نمی‌بایست وابسته به کشاورزی بازارهای خارجی باشد و با ایجاد صنایع داخلی مثل صنایع آهن و فولاد و نیز نظارت کامل ایرانیان بر صنایع نفت بر این مشکلات باید فائق آمد. تجارت خارجی باید ملی شود و برنامه سیاست تجارت آزاد باید حذف گردد. کار و بیمه بیکاری برای همه کسانی که مایل به کار کردن هستند باید فراهم شود. دولت باید بیمه پزشکی مجانی و سراسری و نیز آموزش رایگان و اجباری برای همه افراد تدارک ببیند.<sup>۱</sup> گرایش به چپ به‌ویژه در پیام کنفدراسیون خطاب به «کارگران، کشاورزان و زحمتکشان» با صراحت و احساسات بیشتری مطرح شد، پیامی که در آن گفته می‌شد این اقشار پرچم انقلاب را برافراشته‌اند، همانگونه که در ویتنام، الجزایر و کوبا نیز برافراشتند حتی نیرومندترین قدرت‌های امپریالیستی نیز کاری از دستشان برنخواهد آمد.

ما آگاهیم که جنبش آزادیخواهانه ملی ما تنها متکی بر عزم و اراده شماست. ما می‌دانیم این شما هستید که درهای آزادی را به روی ملت ما می‌گشایید. ما می‌دانیم که شما به سنن انقلابی پدران خود وفادارید و در انتظار لحظه موعودی هستید تا پایه‌های لرزان تاج و تخت فرعون‌ی شاه را درهم کوبید.<sup>۲</sup>

قبلاً دیدیم که اعطای حق رأی به زنان به گونه‌ای که دانشجویان مطرح کردند پیش از آنکه رژیم اقداماتی در این زمینه به عمل آورد مورد حمایت و پشتیبانی کامل قرار داشت. اما در این زمان که شاه در نتیجه «انقلاب سفید» از خود تصویری همچون قهرمان آزادی و برابری زنان ارائه

۱. رک به ماهنامه کنفدراسیون، سال دوم، شماره ۱، مارس ۱۹۶۵، صص ۷-۴.

۲. همانجا، ص ۱۶.

می‌داد، کنفدراسیون تصمیم گرفت تا از زنان ایرانی مقیم اروپا دعوت نماید که در کنفرانس ماه اوت ۱۹۶۴ در آلمان حضور یابند و برای «یافتن راه حلی در رابطه با مسایل مربوط به زنان ایرانی در ایران و خارج» به بحث و تبادل نظر پردازند. این کار در پاسخ به «مانور اخیر هیئت حاکمه با هدف دور کردن آنان (زنان ایرانی) از اصالت مبارزات اصیل میهن پرستانه شان» صورت می‌گرفت.<sup>۱</sup>

در ژانویه ۱۹۶۵ کنگره زنان ایران اولین نشست خود را همزمان با کنگره کنفدراسیون برگزار کرد و کنفدراسیون حمایت خود را از این تشکیلات جدید اعلام داشت و یادآور شد که انقلاب مشروطه در تأمین و برقراری حقوق و آزادی زنان و برابری آنان با مردان کوتاهی کرده است. در ادامه گفته شد اعطای حق رأی به زنان از جانب شاه عملی ریاکارانه است و اینکه «زن ایرانی فقط زمانی می‌تواند از حقوق واقعی خود برخوردار گردد که ساختار اقتصادی، اجتماعی، و روابط فرهنگی او نه فقط به صورت سطحی بلکه عمیقاً دگرگون گردد».<sup>۲</sup> یک طرح پیشنهادی برای مصوبات کنفرانس زنان ایرانی ارائه شد که در آن گفته می‌شد کنفدراسیون موظف است به کمک اعضای زن خود «سازمان بین‌المللی زنان ایرانی» را که در برگیرنده زنان در داخل و خارج از کشور است تأسیس نماید. چنین سازمانی می‌بایست مطابق با الگوی کنفدراسیون تشکیل شود ولی به موضوعات زیر پردازد:

حقوق زنان، نقش زنان در اجتماع، همکاری فعال با سازمان‌های بین‌المللی برای مطرح کردن مسائل زنان ایرانی، همکاری و شرکت فعال در کنفدراسیون دانشجویی، پیکار با بیسوادی، مراقبت و رسیدگی به کودکان، تأمین بهداشت و بیمه‌های اجتماعی برای زنان، کمک به

۱. رک به ماهنامه کنفدراسیون، شماره ۴، ژوئیه ۱۹۶۴، ص ۹.

۲. همانجا، ص ۱۸-۱۷.

سالمندان و تأسیس مدارس فنی و حرفه‌ای ویژه زنان، تربیت بدنی و غیره، تلاش‌های نیکوکارانه و فعالیت‌های هنری.<sup>۱</sup> البته آنچه که گفته شد بیانگر ایجاد یک سازمان مستقل زنان نبود. اما با توجه به این حقیقت که حتی در اروپا و ایالات متحده جنبش‌های قدرتمند «فمینیستی» تنها در دهه ۱۹۷۰ ظاهر شد، وجود چنین تشکلی در حمایت از زنان و احقاق حقوق و کسب برابری برای آنان در جنبش دانشجویی ایران گامی پیشرفته به حساب می‌آمد. برای مثال مهم‌ترین سازمان دانشجویی آمریکا در سال ۱۹۶۰ به نام «دانشجویان برای ایجاد جامعه دموکراتیک» (S.D.S) «اولین رویداد فمینیستی» خود را که تشکیل یک گروه کاری بود منحصرأ از زنان مرکب شده و طی آن رهبری مردانه سازمان به چالش گرفته شده بود در ماه دسامبر ۱۹۶۵ برگزار کرد.<sup>۲</sup>

در سال ۱۹۶۵، کنفدراسیون اقدام به یک سلسله تماس‌هایی با آیت‌الله خمینی کرد که سال‌های چندی نیز ادامه یافت. کنگره کلن نامه‌ای سرگشاده خطاب به آیت‌الله خمینی ارسال داشت و طی آن از وی به دلیل به کارگیری زبان جدید سیاسی که توانسته است فرهنگ و اصطلاحات آشنای شیعه را با فرهنگ مدرن و انقلابی درهم آمیزد و فرهنگ سیاسی نوینی خلق نماید تمجید کرد. و از نقش وی در فراخوانی «توده‌های کارگر و کشاورز» برای جهاد علیه ایالات متحده و «یزید» زمان که منظور شاه بود سپاسگزاری و از همبستگی کنفدراسیون با مبارزات جدید روحانیون و به‌ویژه خود ایشان که در ایران پدیدار شده بود پشتیبانی کردند. تنها اشاره مستقیم به اسلام در این نامه چنین بود: «تا زمانی که دوشادوش برادران مسلمان خود هیولای استبداد و استثمار را از پای درنیاوریم، آرام

۱. رک به «پیش‌نویس پیشنهادی ارائه شده به اولین کنفرانس زنان ایرانی، اول ژانویه ۱۹۶۵» توسط کنفدراسیون.

2. Todd Gitlin, *The Whole world is Watching*, (University of California Press, 1980) p. 138

نخواهیم نشست...». تصور می‌شد که زبان دوگانه این پیام بتواند در عین این که حافظ مواضع کنفدراسیون باشد، شکاف ایدئولوژیکی بین اسلامگراها و نیروهای چپ غیرمذهبی را پر نماید. کنگره همچنین تلگرافی برای عصمت اینونو رئیس جمهوری ترکیه ارسال داشت و طی آن نسبت به وضعیت و چگونگی جا و مکان آیت‌الله خمینی مسئولاتی کرد.<sup>۱</sup> اظهار حمایت از آیت‌الله خمینی صرفاً در قالب شعار باقی نماند و بلکه کنفدراسیون در عمل نیز باب تماس و ارتباط با وی را گشود.

در بیست و پنجم ماه ژوئن ۱۹۶۶ حسن ماسالی دبیر بین‌المللی کنفدراسیون در نجف با ایشان دیدار کرد. او گزارشی درباره فعالیت‌های کنفدراسیون دانشجویی تسلیم وی کرد و حمایت کنفدراسیون از «روحانیت مترقی» و به‌ویژه خود ایشان را نیز اعلام داشت. در مقابل، آیت‌الله خمینی نیز طرح‌های کنفدراسیون را برای همکاری با حوزه‌های علمیه قم و سایر شهرها مورد تأیید قرار داد. در بخشی از پیام، آیت‌الله خمینی، دانشجویان را به ادامه تلاش‌های خود با یکدیگر تشویق و تأکید کرده بود که هرگز ملت مظلوم ایران و سرنوشت وی را از یاد نبرند و اینکه آینده کشور برعهده جوانان است و آنان نباید در حفاظت آن غفلت ورزند. همچنین متذکر شده بود که روحانیون نیز در این راه همراه شما هستند و طبق اصول و موازین اسلامی با شما همکاری خواهند کرد.<sup>۲</sup> بدین ترتیب، آیت‌الله خمینی در ضمن پذیرش شکلی از همکاری با عناصر غیرمذهبی و حتی چپگرایان، دقت داشت که چنین روابطی به رعایت «اصول شرعی و موازین اسلامی» مقید باشد.

کنگره ۱۹۶۵ در مورد روابط بین‌المللی کنفدراسیون تصمیم گرفت تا ضمن عدم پذیرش «محتوای ایدئولوژیکی» منشور کنفرانس بین‌المللی

۱. رک به شانزده آذر، شماره ۶، تابستان ۱۹۶۶، ص ۱.

۲. همان.



دانشجویی به عضویت در این سازمان ادامه دهد. در خصوص عضویت در اتحادیه رقیب یعنی اتحادیه بین‌المللی دانشجویان موضع پیشین کنفدراسیون تأیید شد. بدین معنا که کنفدراسیون در صورتی حاضر به عضویت رسمی اتحادیه بین‌المللی بود که عضو وابسته به حزب توده در آن اتحادیه استعفا دهد. کنگره کنفدراسیون خواستار از سرگیری انتشار نامه‌پرسی به صورت «فصلنامه فرهنگی» کنفدراسیون شد و نیز مقرر داشت که یک ماهنامه خبری که ارگان رسمی سازمان باشد نیز منتشر شود. تغییراتی نیز در اساسنامه کنفدراسیون به وجود آمد که مهم‌ترین بخش آن مربوط به دبیرخانه سازمان بود. تا این زمان همه پنج عضو دبیرخانه کنفدراسیون از فدراسیون دانشجویی یک کشور انتخاب می‌شدند. اما تصمیم بر این شد که فقط سه نفر از سازمان دانشجویی یک کشور باشند. ضمناً دیگر لازم نبود تصمیمات دبیرخانه باتفاق آراء باشد. دو «کمیته» جدید نیز تحت مسئولیت دبیرخانه قرار گرفت. که عبارت بودند از «کمیته تشکیلات و امور داخلی» و «کمیته بین‌الملل» که به کمیته‌های موجود یعنی «امور مالی»، «انتشاراتی» و «فرهنگی - اجتماعی» افزوده شد.<sup>۱</sup>

تغییر سیاسی مهم دیگری نیز در سال ۱۹۶۵ روی داد. در این زمان تسلط جبهه ملی بر رهبری کنفدراسیون تغییر کرد و رهبری، ترکیبی شد شامل طیف ناهمگونی از جبهه ملی در اکثریت و اقلیتی از سازمان انقلابی حزب توده. در سال ۱۹۶۵ اعضای دبیرخانه کنفدراسیون عبارت بودند از ابوالحسن بنی‌صدر، حسن ماسالی، بهرام دهقان، خسرو شاکری، پرویز نعمان. تنها نفر آخری - یعنی نعمان - از افراد سازمان انقلابی حزب توده محسوب می‌شد.<sup>۲</sup> با وجود آنکه جبهه ملی اکثریت

۱. همانجا، صص ۱۳-۱۱.

۲. پذیرش انتصاب یکی از اعضای کنفدراسیون از جناح سازمان انقلابی بعنوان دبیر توسط

داشت اما انتخاب بنی صدر و نعمان نشانگر تقسیم‌بندی جدیدی در صفوف کنفدراسیون بود. بنی صدر نماینده دانشگاه تهران و رئیس افتخاری کنگره لندن در سال ۱۹۶۴ بود. او با تشکیلات نهضت آزادی ایران ارتباط داشت و از طریق نوشتن مقالاتی با دیدگاه‌های نیمه مارکسیستی و به اصطلاح جهان‌سومی و تقریباً بدون ارجاعات و اصطلاحات مذهبی در نامه پارسی همکاری داشت.<sup>۱</sup> در هر حال طبق گفته بنی صدر فعالین جبهه ملی او را بدون اطلاع قبلی و رضایت خودش به عضویت دبیرخانه کنفدراسیون دانشجویان انتخاب کردند. جناح جبهه ملی سپس بنی صدر را قانع کرد که عدم پذیرش این مسئولیت از جانب وی مضر به حال کنفدراسیون خواهد بود. بنی صدر نیز با بی‌میلی این مسئولیت را پذیرفت. اگرچه وی رسماً دبیر انتشارات کنفدراسیون بود، اما در حقیقت در آن سال ائتلافی از جناح چپ جبهه ملی و سازمان انقلابی حزب توده بود که عملاً اداره انتشارات کنفدراسیون را به عهده داشتند.<sup>۲</sup> علیرغم این دشواری‌ها، کنفدراسیون کار انتشاراتی خود را وسعت بخشید و در سپتامبر ۱۹۶۴ انتشار دوره جدید نامه پارسی ارگان

→

جبهه ملی نشانگر حمایت از جناح انشعابی حزب توده برای مقابله با کادر رهبری حزب توده بود. مصاحبه با خسرو شاکری و بنی صدر.

۱. مصاحبه با بنی صدر. بنی صدر در نامه پارسی، شماره ۱، سپتامبر ۱۹۶۴، صص ۴۱-۳۱ طی مقاله‌ای، «عقب ماندگی» را از منظر «تقسیم بین‌المللی کار» مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد، بدین معنا که جهان به دو قطب اقتصادی تقسیم شده است، کشورهای صنعتی که بوسیله بورژوازی کمپرادر «استثمار ملتها» و نیروی کار آنان را در دستور کار خود دارند و مبارزات «بورژوازی ملی» را سرکوب می‌کنند. مقاله دیگری با عنوان «نقش و موقعیت روشنفکران در کشورهای استعمارزده» در اکتبر ۱۹۶۶ توسط بنی صدر در نامه پارسی بچاپ رسید. این مقاله نیز به طور اساسی به نقد فرهنگ استعماری می‌پردازد.

۲. مصاحبه بنی صدر. طبق گفته خسرو شاکری، در هر حال بنی صدر به دلایل سیاسی از همکاری با دبیرخانه کنفدراسیون خودداری کرد، از جمله این دلایل سیاسی، حمایت کنفدراسیون از گروه مارکسیستی پرویز نیکخواه بود. مصاحبه با خسرو شاکری.

کنفدراسیون از سرگرفته شد و یک مجله به نام ماهنامه کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی نیز منتشر شد. در سال ۱۹۶۵ انتشار ماهنامه جدیدی به نام شانزدهم آذر تحت عنوان ارگان رسمی کنفدراسیون آغاز شد.<sup>۱</sup>

درگیری جاری در درون دبیرخانه کنفدراسیون در سال ۱۹۶۵ ناشی از اختلاف بین بنی صدر و دیگر دبیران جبهه ملی و در ارتباط با انشعاب درون تشکیلاتی جبهه ملی در اروپا بود که پیشتر به آن اشاره شد. در سال ۱۹۶۰ همزمان با شکل‌گیری جبهه ملی سوم در ایران، بنی صدر و دیگر فعالین نهضت آزادی ایران برای مبارزه علیه جناح رقیب خود در شورای اجرایی سازمان‌های جبهه ملی در اروپا به جناح جامعه سوسیالیست‌ها پیوستند. در یک کنگره اضطراری که در سال ۱۹۶۵ تشکیل شد، هواداران جناح جبهه ملی سوم ظاهراً دست بالا داشتند و این برتری در تغییر و تحولات دیدگاه‌های نشریه ایران آزاد که در سال ۱۹۶۶ به یک ارگان هوادار جبهه ملی سوم تبدیل شد، به چشم می‌خورد. اما این وضعیت چندان ادامه نیافت. در سال ۱۹۶۶ هیئت تحریریه پیشین بار دیگر کنترل ایران آزاد را در دست گرفت، در همان حال چنان که ملاحظه خواهد شد جناح منسوب به جبهه ملی سوم انشعاب کرد و مستقل از سازمان‌های جبهه ملی اروپا و کنفدراسیون به فعالیت‌های خود ادامه داد. بنی صدر کماکان با تعدادی از فعالین اسلامی مثل ابراهیم یزدی در ایالات متحده مرتبط ماند و پس از چندی با کمک یکدیگر شروع به سازماندهی تشکل‌های دانشجویی اسلامی کردند.<sup>۲</sup>

۱. اولین شماره شانزدهم آذر در نوامبر (آذر) ۱۹۶۵ منتشر شد. شانزدهم آذر که ارگان کنفدراسیون بود را نباید با شانزدهم آذر اشتباه گرفت. نشریه دومی وابسته به کنفدراسیون بود اما در اوایل سالهای ۱۹۶۰ در ایالات متحد توسط علی محمد فاطمی بچاپ رسید. رک به فصلهای ۱ و ۲ همین بررسی.

۲. مصاحبه با بنی صدر. ابراهیم یزدی نیز گفته است که انجمنهای اسلامی دانشجویی در

## «توطئه قتل شاه» در ۱۹۶۵

اگرچه سال ۱۹۶۵ در ایران سرکوب آخرین بقایای اپوزیسیون را به همراه داشت، ولی برای کنفدراسیون این سال شهرت بین‌المللی و نیز پیروزی نسبی در یک رویارویی و مستقیم با رژیم شاه را به ارمغان آورد. این دگرگونی اهمیت کنفدراسیون را به صورت تنها سازمان اپوزیسیون برجای مانده در صحنه سیاست به نمایش گذاشت و در عین حال سبب شد تا کنفدراسیون با شتاب بیشتری به رادیکالیسم روی آورد.

در ۲۱ فروردین ۱۳۴۴، رضا شمس‌آبادی سرباز ۲۲ ساله گارد شاهنشاهی با مسلسل دستی خود و با گشودن آتش به روی شاه در کاخ مرمر تهران قصد ترور او را داشت. اما این تلاش نافرجام ماند و ضارب توسط دیگر افراد گارد به ضرب گلوله کشته شد. در اواخر آن ماه دولت گروه کوچکی را در ارتباط با این واقعه دستگیر کرد. چهارده نفر از جمله پرویز نیکخواه و چهار رهبر پیشین کنفدراسیون انگلستان تحت محاکمه قرار گرفتند. همزمان با این تحولات دولت، کنفدراسیون را به همدستی

→

خارج از کشور در سالهای ۱۹۶۰ آغاز به فعالیت کردند. بنگرید به مصاحبه یزدی در اطلاعات، ۴ اردیبهشت ۱۳۵۰، ص ۵.

درباره کنگره اضطراری سازمانهای جبهه ملی در اروپا و تشکیل جبهه ملی سوم در خارج بنگرید به ایران آزاد، شماره ۳۵، اوت ۱۹۶۵. در تابستان ۱۹۶۵، ایران آزاد تحت کنترل جناح جبهه ملی سوم بود. شعارهای شبه مارکسیستی و مقالات هیئت تحریریه پیشین جای خود را به شعارهای جدید متعلق به جبهه ملی سوم داد. همچنین یک تغییر و تحول آشکارتر دیگری صورت گرفت و طی آن کنفدراسیون از مبارزات گسترده تبلیغاتی خود در دفاع از نیکخواه دست کشید و جایش را به اخبار مربوط به جبهه ملی سوم و نیز ایجاد محدودیت و سخت‌گیریهای رژیم در کادر رهبری جبهه ملی داد. برای نمونه بنگرید به ایران آزاد، شماره‌های ۳۵، ۳۶، ۳۸، اوت، سپتامبر و نوامبر ۱۹۶۵. اما در ۱۹۶۶، بار دیگر ایران آزاد در کنترل هیئت تحریریه پیشین قرار گرفت. اطلاعات مربوط به درگیریهای سازمانهای جبهه ملی در اروپا و ظهور جناح جبهه ملی سوم از مصاحبه با علی شاکری، پاریس ۱۳ دسامبر ۱۹۸۹ و ۹ فوریه ۱۹۹۰ نیز مصاحبه با بنی صدر تهیه شده است.

در توطئه سوء قصد متهم کرد.<sup>۱</sup> کنفدراسیون به دفاع از خود و متهمین به توطئه سوء قصد برخاست و در این رابطه با همکاری سازمان عفو بین‌المللی و کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان و نیز برخی از شخصیت‌های معروف جهان مثل فیلسوف انگلیسی برتراند راسل و نویسنده فرانسوی ژان پل سارتر و تعدادی از سازمان‌های جهانی دانشجویی به مبارزه‌ای سازمان یافته دست زد.<sup>۲</sup> کنفدراسیون همچنین انتشار خبرنامه ویژه‌ای به نام پیمان «تشریح کمیته دفاع از دانشجویان زندانی فارغ‌التحصیل وابسته به کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی» را آغاز کرد.<sup>۳</sup>

رویدادهای ایران در اروپا و به ویژه در بریتانیا مورد توجه قرار گرفت و مطبوعات صفحات زیادی را به انعکاس نظرات کنفدراسیون در زمینه سرکوب‌های سیاسی، شکنجه و محاکمات نمایشی در ایران اختصاص دادند، روزنامه ساندی تلگراف تقاضای دولت ایران را از دولت‌های بریتانیا و فرانسه برای استرداد دو دانشجوی ایرانی از جمله منوچهر ثابتیان منتشر کرد.<sup>۴</sup> سفارت ایران ناچار شد تا خبرهای مربوط به شکنجه را که در روزنامه گاردین لندن منتشر شده بود تکذیب کند.<sup>۵</sup> تشریح اکونومست

۱. طبق گزارش روزنامه آبزور Observer، ۹ مه ۱۹۶۵ «پلیس مخفی شاه ادعا کرد که تلاش اخیر مخالفان برای قتل شاه پیش‌درآمدی بود بر آنچه که آنان آن را کودتای مورد حمایت پکن نامیدند و توسط دانشجویان ایرانی در میخانه‌های کنزینگتون Kensington طراحی شده است» به نقل از: Documents op.cit., p. 46

۲. همانجا، صص ۱۹-۱۰۶ و نیز بولتن خبری کنفدراسیون، ژوئن ۱۹۶۵ و بنگرید به Was it Aplot to kill the shah? (آلمان غربی: کنفدراسیون دانشجویان ایرانی، ۱۹۶۵).

ماهنامه کنفدراسیون جهانی، سال دوم، شماره ۳ ژوئیه ۱۹۶۵، صص ۱۱-۴، و نیز رک به La Gauche (Bruxelles), no. 21, May 29. 1965, 12

۳. پیمان در لندن منتشر می‌شد و پس از این درگیری انتشارش قطع گردید. در ژوئیه ۱۹۶۸ کنفدراسیون پیام را به صورت «ارگان دفاعی کنفدراسیون» منتشر کرد. بنگرید به پیمان شماره ۳، لندن، ۲۲ ژوئن ۱۹۶۵ و پیمان (دوره جدید) شماره ۱، ژوئیه ۱۹۶۸.

4. The Surduy Telegraph, 2 May 1965 quoted Documents, op.cit., p. 48

5. The Guardian, 7 an 8 october 1965, quoted in Ibid, 60-67

گزارش‌هایی مربوط به شکنجه را منتشر کرد که آن نیز با اعتراض سفارت ایران روبرو شد. اما اکونومیست بر صحت منبع اطلاعاتی خود که با توجه به شرایط موجود در ایران مایل افشای نامش نبود تأکید کرد.<sup>۱</sup> در هفتم ماه مه، ۵۰ عضو پارلمان انگلیس نامه‌ای سرگشاده خطاب به اردشیر زاهدی سفیر ایران در انگلستان نوشتند و طی آن درباره وضعیت فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های انگلیس و شایعات مربوط به شکنجه و بی‌عدالتی در محاکمات آنان پرس‌وجو کردند. بخش‌هایی از این نامه در همان روز در روزنامه تایمز لندن به چاپ رسید. در ابتدا زاهدی به صورتی سیاستمدارانه در مقام پاسخگویی برآمد، اتهامات را تکذیب و به شکلی ملایم اعضای پارلمان انگلیس را به دلیل مداخله در امور داخل ایران سرزنش کرد. اما سخنگویان این گروه پارلمانی استن نیونز\* و ویل گریفیث\*\* بر درستی نظرات خود اصرار ورزیدند و از طرف همکاران پارلمانی خود خواستار ملاقاتی در این رابطه شدند. نیونز سومین نامه را برای زاهدی نوشت و بار دیگر خواستار ملاقات شد و همچنین به زاهدی اطلاع داد که کمیته دفاع از زندانیان سیاسی در ایران که اعضای پارلمان بریتانیا، نویسندگان و شخصیت‌های دانشگاهی در آن عضویت دارند تشکیل شده است؛ وی گفت که در مقام دبیر این سازمان جدید وظیفه دارد تا به مکاتبات خود در این زمینه ادامه دهد. در ۲۹ ماه مه زاهدی ارتباط را قطع و از نیونز تقاضا کرد، «از مکاتبه بیشتر با سفارت خودداری ورزد».<sup>۲</sup>

از سوی دیگر ۵۸ نماینده مجلس ایران طی نامه‌ای سرگشاده‌ای جوابیه تندی خطاب به نمایندگان پارلمان بریتانیا ارسال داشتند. آنان از

1. *The Economist*, 23 October, 6 and 13 November 1965, quoted in *Ibid*, pp 74-77

\*. Stan Newens

\*\* Will Griffiths

۲. مکاتبات نماینده پارلمان بریتانیا با زاهدی *Documents, op.cit*, pp 81-85

اینکه اعضای مجلس بریتانیا «شایعات شریرانه و دروغین» را پذیرفته‌اند زبان به اعتراض گشودند و ادعا کردند که محاکمات ایران مثل همیشه عادلانه است. اطلاعات و کیهان دو روزنامه تحت کنترل دولت نیز خود را درگیر این قضیه کردند. اطلاعات با لحنی تند به نمایندگان بریتانیا حمله کرد، اعتراضات آنان را دفاعی «ابلهانه» از کمونیست‌های افراطی‌ای خواند که قصد دارند با عملیات مسلحانه چریکی اساس دموکراسی ایران را نابود کنند.<sup>۱</sup> در فرانسه نیز سفیر ایران نیز به یک مجادله علنی کشیده و مجبور شد این ادعا را که نیکخواه در زیر شکنجه جان سپرده است رسماً انکار کند.<sup>۲</sup>

سرانجام شاه نیز شخصاً وارد صحنه شد و به مجادله با مطبوعات خارجی پرداخت. وی در مصاحبه‌ای با خبرنگار لوموند اریک رولو چنین گفت:

متهم اصلی، پرویز نیکخواه در زمینه روش‌های انقلاب مسلحانه کتابی نوشته است، همچنین همدست او منصوری نیز در حضور خود من دست به اعتراف کامل زده است. او مستقیم به چشمان من نگاه کرد و گفت: «بله ما شمس آبادی را تشویق کردیم تا به جان شما سوء قصد نماید، چون ما از کمونیست‌های هوادار چین هستیم و قصد براندازی رژیم را داریم.»<sup>۳</sup>

ولی رولو گزارش داد که منصوری به او گفته بود که برای این اعترافات، و

۱. نامه نمایندگان مجلس که در Documents op.cit., p 88 آمده است. سرمقاله ۲۲ مه ۱۹۶۵ روزنامه اطلاعات ترجمه شده در همانجا، صص ۹۱-۸۷ و نیز سرمقاله همان روزنامه به تاریخ ۳ ژوئن ۱۹۶۵ در همانجا، صص ۹۵-۹۲ و بنگرید به سرمقاله ۲۴ مه ۱۹۶۵ کیهان در باختر امروز، دوره سوم زونیه ۱۹۶۵. شماره ۴، صص ۳-۱.

۲. ری.ک به لوموند، ۲۲ مه ۱۹۶۵، در Documents op.cit., pp 639-40.

۳. شاه به نقل از لوموند، ۹ دسامبر ۱۹۶۵ و نیز بنگرید به Documents op.cit., pp 631-32.

از جمله اعتراف در حضور شاه، تحت فشار بوده است.<sup>۱</sup> شاه همچنین به گروه‌های اپوزسیون دانشجویی در خارج از کشور اشاره کرد: آنان که قصد جان مرا کرده‌اند، کسانی که می‌خواستند جنگی چریکی علیه سلطنت براه اندازند، دقیقاً از انگلستان می‌آیند. در لندن و منچستر است که انقلابیون ساخته می‌شوند.<sup>۲</sup> شاه در حالی که اتهامات مربوط به شکنجه را نفی می‌کرد<sup>۳</sup> در عین حال پذیرفت که افراد به دلیل داشتن عقاید خود تحت پیگرد رژیم قرار می‌گیرند. با اشاره به سرنوشت متهمین کاخ مرمر مصاحبه‌گر دیگری از شاه پرسید، «تصویر ناخوشایندی که ایران در خارج از کشور وجود دارد... عبارت از این است که افراد نه به دلیل کارهایی که انجام داده‌اند، بلکه صرفاً به دلیل عقایدشان تحت محاکمه قرار می‌گیرند.» و شاه پاسخی بی‌پرده داد: «تا حدودی آنان به دلیل داشتن عقایدشان تحت محاکمه قرار می‌گیرند... قوانین ما کمونیسم و هر نوع فعالیت کمونیستی را ممنوع کرده است».<sup>۴</sup>

مبارزات کنفدراسیون علیه این ماجرا با برگزاری یک اعتصاب غذای طولانی توأم با تبلیغاتی گسترده و سراسری به نقطه اوج خود رسید. کنفدراسیون با ارسال نامه‌ای که به دقت تنظیم و نوشته شده بود از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل درخواست کرد تا نقض حقوق بشر در ایران را بررسی کند و از جمله به چگونگی اتهامات ۱۴ نفر متهم ماجرای کاخ مرمر که چهار نفرشان به مجازات مرگ محکوم شده بودند، رسیدگی کند. تقاضاهای کنفدراسیون دانشجویی به شرح زیر بود: محاکمات علنی در دادگاه‌های غیرنظامی با حضور ناظران بین‌المللی و نیز انتخاب آزادانه وکلای مدافع برای افراد بازداشت شده، اجازه رسمی برای اعزام گروهی

۱. لوموند، اول دسامبر ۱۹۶۵، در Documents op.cit., pp 601-02.

۲. مصاحبه شاه با لوموند ۹ دسامبر ۱۹۶۵، Documents, op.cit., p 635.

3. Ibid, p 632

۴. نیویورک تایمز، ۱۲ دسامبر ۱۹۶۵، Ibid., p 36.



از حقوق‌دانان بین‌المللی و یک نماینده از جانب کنفدراسیون تا به علل و چگونگی بازداشت، شکنجه و محاکمه متهمین واقعه کاخ مرمر پردازد و با این افراد ملاقات نماید. بیانیه کنفدراسیون یادآور شد که پس از یک مرحله اولیه از اعتصاب غذای سه روزه در چندین کشور جهان، تعدادی از دانشجویان عضو کنفدراسیون به طور نامحدود و تا برآورده شدن خواسته‌هایشان همچنان به اعتصاب غذای خود ادامه خواهند داد.

اعتصاب غذا در ظهر روز ۲۵ اکتبر در کارلسروهه آلمان آغاز شد. شهردار شهر نیز در محل حضور یافت و قول داد که در راستای حمایت از اعتصابیون تلگراف‌هایی به مقامات ایرانی و سازمان ملل ارسال نماید. در طول اولین دور از این اعتصاب سه روزه تعداد دانشجویان شرکت‌کننده از رقم یکصد نفر تجاوز کرد و آنان از باشگاه متعلق به کنفدراسیون در کارلسروهه به مکانی بزرگتر نقل مکان کردند. در همین زمان دبیرخانه کنفدراسیون مستقر در کارلسروهه با دیگر مراکز دانشجویان اعتصابی واقع در اطرایش، ایتالیا، سوئیس، فرانسه، بلژیک، بریتانیا و ایالات متحده در ارتباط بود. در ظهر روز ۲۸ اکتبر اولین مرحله از سه روز اعتصاب به پایان رسید و دومین مرحله آن با شرکت ۴۵ نفر دانشجوی آغاز شد. در این میان خسرو شاکری دبیر بین‌المللی کنفدراسیون مرتباً به دبیر کل سازمان ملل متحد اوتانت مراجعه کرده و مصراً خواستار عکس‌العمل مثبت وی بود.<sup>۱</sup>

در سوم نوامبر سرپرست کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل طی تلگرافی به کنفدراسیون اطلاع داد که دبیر کل سازمان ملل، اوتانت «در موضع عملکرد شخصی»، اوضاع و احوال موجود را به اطلاع مقامات ایرانی رسانده است. در همان روز تلگراف دیگری از جانب عفو

۱. مصاحبه با فرهاد سمنار، فرانکفورت، ۱۸ ژوئن ۱۹۹۰ و مصاحبه با محمود راسخ افشار، فرانکفورت، ۲۷ ژوئن ۱۹۹۰.

بین‌المللی رسید که وعده می‌داد یک گروه بین‌المللی از بازپرسان این سازمان موضوع را از طریق ادارات سازمان ملل به طور کامل پیگیری خواهند کرد. عفو بین‌المللی پیشنهاد کرد که دانشجویان تا آن زمان به شکلی «آبرومندانه» دست از اعتصاب غذا بکشند. در این زمان ۴۵ دانشجوی اعتصابی بیش از نه روز بود که در اعتصاب بسر می‌بردند و ده نفر از آنان نیز در بیمارستان بستری شده بودند. پس از این جریانات دبیرخانه کنفدراسیون تصمیم گرفت تا اعتصاب را به طور موقت «معلق» نماید.<sup>۱</sup> سرانجام تقاضاهای کنفدراسیون تا حدودی برآورده شد. رسانه‌های جمعی و نیز تبلیغات عمومی به طور قابل توجهی نسبت به این تحولات عکس‌العمل نشان دادند و محاکمه متهمین کاخ مرمر بالاخره به شکلی علنی در حضور مطبوعات و ناظران بین‌المللی برگزار شد و گزارشات ارسالی توسط این ناظران اتهامات وارده توسط دادستان را نقض کردند.<sup>۲</sup>

نقطه اوج این مبارزات با برگزاری پنجمین کنگره کنفدراسیون از ۲۵ الی ۳۱ دسامبر ۱۹۶۵ در اشتوتگارت آلمان غربی همزمان شد. در ضمن برگزاری کنگره خبر رسید و حکم اعدام این پرونده در مورد احمد منصوری و احمد کامرانی به حبس ابد تقلیل یافته است. عکس‌العمل کنگره نسبت به این اخبار شدیداً عاطفی بود: نمایندگان پیا خاستند، به یکدیگر دست دادند، ضمن تبریک به هم با صدایی بلند شعار معروف «اتحاد، مبارزه و پیروزی» را در حالی که اشک شوق می‌ریختند سر دادند. پنج متهم پرونده کاخ مرمر، پرویز نیکخواه، احمد منصوری، محسن رسولی، منصور پورکاشانی و فیروز شیروانلو نیز تلگراف زیر را خطاب به کنگره ارسال داشتند: «تشکر قلبی خود را از تلاش‌های شما برای نجات

۱. رک به شانزدهم آذر، شماره ۱، نوامبر ۱۹۶۵. عکس‌العمل دبیرکل سازمان ملل اوتانت و عفو بین‌الملل در قبال اعتصاب غذا در آبرور لندن، ۷ نوامبر، ۱۹۶۵ آمده است و نیز بنگرید به Documents op.cit., pp 114-115

۲. رک به اکتوبریست، ۶ نوامبر ۱۹۶۵ در Documents op.cit., pp 76-77.

جان ما و از سرنوشتی که سزاوارش نبودیم ابراز می‌داریم. ما همه وجود خود را وقف خدمت به کشورمان کردیم امیدمان این است آنان که از آزادی برخوردارند گام‌هایی اساسی در جهت تحقق اهداف مشترک همگی ما بردارند.<sup>۱</sup>

پیروزی‌های هرچند محدود در این مبارزه تأثیری روانی و سیاسی به همراه داشت. کنفدراسیون نه فقط نقشی تعیین‌کننده در نجات جان افراد این گروه خاص ایفا کرد، بلکه به عنوان آخرین تشکیلات باقیمانده اپوزیسیون ثابت کرد که قادر است وارد یک درگیری مستقیم با رژیم شاه بشود، حمایت بین‌المللی به دست بیاورد و در دفاع از قربانیان رژیم در داخل ایران نیز دستاوردهایی اساسی داشته باشد.<sup>۲</sup>

### ناکامی‌های کنفدراسیون در سال ۱۹۶۶ و جهت‌گیری‌های نوین گروه‌های تبعیدی

کنگره ۱۹۶۶ کنفدراسیون در اشتوتگارت اعضای دبیرخانه خود را به شرح زیر انتخاب کرد؛ زهره کاویانی از آلمان برای امور مالی - نخستین

---

۱. رک به شانزدهم آذر، شماره ۳، مارس ۱۹۶۶، صص ۲-۱. باختر امروز، دوره سوم، شماره ۱۱، فوریه ۱۹۶۶، صص ۸. سرنوشت متهم ردیف اول، پرویز نیکخواه بیچیده و تراژیک بود. او که قویاً به دفاع از خود برخاسته بود به دهسال زندان محکوم شد و به صورت چهره شاخص اپوزیسیون درآمد. نیکخواه پس از گذراندن پنجسال زندان از مخالفت با رژیم دست کشید و انقلاب سفید شاه را مورد ستایش قرار داد. او مورد عفو قرار گرفت و در واحد خبر رادیو و تلویزیون ملی مسئولیت بالایی را برعهده گرفت. در این زمان محافظان اپوزیسیون او را سمبل خیانت می‌دانستند. در ۱۹۷۹ بلافاصله پس از سقوط نظام سلطنتی نیکخواه در دادگاه رژیم جدید به اعدام محکوم شد. تغییر عقیده نیکخواه ضربه محکمی بویژه به سازمان انقلابی بود که وی را در کانون توجه و تبلیغات خود قرار داده بود. بنگرید به تهرانی در شوکت، پیشین، صص ۱۵۴ و بیژن جزئی، مهره‌ای بر صفحه شطرنج (بی‌نا، ۱۳۴۹) و اخبار اعدام نیکخواه در کیهان ۲۲ اسفند ۱۳۵۷، صص ۸.

۲. در حقیقت همه رهبران و فعالین کنفدراسیون در مصاحبه‌های خود بر اهمیت تاریخی این برخورد تأکید داشتند و آن را نقطه عطفی در تاریخ مبارزات کنفدراسیون می‌دانستند.

زنی که عهده‌دار چنین مسئولیتی می‌شد - ، حسن ماسالی از آلمان برای امور بین‌الملل، منوچهر حامدی از آلمان برای امور تشکیلاتی، رحمت خسروی از ایتالیا برای امور فرهنگی و اجتماعی و جمشید انور از انگلیس برای امور انتشاراتی و تبلیغات. دوتن از اعضای دبیرخانه یعنی خسروی و انور وابسته به سازمان انقلابی بودند و بقیه به تشکیلات اروپایی جبهه ملی - منهای جامعه سوسیالیستها و اسلامگراها - وابستگی داشتند.<sup>۱</sup> اعضای دبیرخانه گزارش سال قبل را به اطلاع اعضای کنگره رساند و از جمله بخش امور مالی درآمد کنفدراسیون و هزینه‌های آن را برآورد کرد. تصمیم بر این شد تا برای اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان ایرانی نیز مؤسسه‌ای تحت عنوان «بنیاد بورس» تشکیل شود و بدین‌طریق برای دانشجویانی که مشکل مالی دارند و به ویژه دانشجویانی که درگیر فعالیت‌های سیاسی هستند تسهیلاتی مالی فراهم گردد. کنگره، سال ۱۹۶۶ را «سال دفاع از زندانیان سیاسی» به‌طور اعم و مبارزه برای رهایی دکتر مصدق بطور اخص تعیین کرد. قطعنامه‌های سال ۱۹۶۵ سمینار دوسلدورف در مورد «خط مشی» کنفدراسیون تأیید شد و قطعنامه جداگانه‌ای از اتحادیه دانشجویی سیاسی - سندیکایی فرانسه را به خاطر حمایتش از کنفدراسیون قدردانی کرد. تصمیم جدیدی درخصوص ارتباط با دو سازمان کنفرانس و اتحادیه بین‌المللی دانشجویان اتخاذ نشد، اما بیانیه‌های مفصلی انتشار یافت که مواضع کنفدراسیون درباره مسائل گوناگون را مشخص می‌کرد. انتقاد از خط مشی شوروی‌ها به دلیل حمایت از شاه با اشاره به موارد مشخصی که در مطبوعات شوروی درج شده بود مجدداً تکرار شد. مداخله ایالات متحده در ویتنام و جمهوری دومینیکن بار دیگر شدیداً محکوم شد. کنفدراسیون همچنین نسبت به مسائل و مشکلات سیاسی دانشجویی در آفریقای جنوبی،

۱. مصاحبه خسروشاکری.

اسپانیا، یونان، کره جنوبی، یمن، مراکش، عراق، قبرس، اندونزی، الجزایر و افغانستان مواضع مشخص اتخاذ کرد.<sup>۱</sup>

مبارزات کنفدراسیون در دفاع از زندانیان سیاسی گروه‌های مختلف اپوزیسیون بدون وقفه و در تمامی سال همچنان ادامه یافت. در اوایل سال ۱۳۴۴ دادستانی ارتش در تهران خبر بازداشت ۵۷ نفر را به اتهام تلاش برای قیام مسلحانه اعلام کرد. بازداشت‌ها در مهرماه ۱۳۴۴ و هنگامی که پلیس خبر کشف تشکیلاتی به نام حزب ملل اسلامی را اعلام کرد، صورت گرفت. این گروه در اواخر دهه ۱۳۳۰ با ایدئولوژی اسلامی با تلفیقی از گرایش‌های رادیکال تشکیل شد و پس از سال ۱۳۴۲ خود را آماده مبارزه مسلحانه کرد. ۵۵ تن از اعضای آن در دادگاه‌های نظامی به زندان محکوم شدند. اغلب آنها از دانش‌آموزان دبیرستان‌ها و دانشجویان دانشگاه‌ها و جوانان بازاری بودند. با وجود فعالیت‌های کنفدراسیون و سازمان‌های بین‌المللی، چندین نفر از اعضای این گروه به زندان‌های طولانی محکوم شدند و با این وجود حکم اعدام رهبر این گروه به نام محمدکاظم موسوی بجنوردی به حبس ابد تخفیف یافت.<sup>۲</sup> در آن سال کنفدراسیون به دفاع از خلیل ملکی و دیگر رهبران جامعه سوسیالیستها و نیز داریوش فروهر رهبر حزب ملت ایران و هشت عضو حزب توده برخاست. حکم دوتن از توده‌ای‌ها به نام‌های پرویز حکمت‌جو و علی خاوری که به اعدام محکوم شده بودند، بعدها به حبس ابد تخفیف یافت.<sup>۳</sup> در پاییز سال ۱۹۶۶، کنفدراسیون اخبار مربوط

۱. رک به مصوبات پنجمین کنگره کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی، اشنونگارت، ۲۵-۳۱ دسامبر ۱۹۶۵. همچنین بنگرید به شانزدهم آذر، شماره ۳، مارس ۱۹۶۶، صص ۱-۲.  
 ۲. رک به بیزن جزئی، «طرح جامعه‌شناسی و مبانی استراتژی جنبش انقلابی خلق ایران» (تهران، مازیار، ۱۹۷۹). صص ۶۴-۱۶۰. شانزدهم آذر شماره ۳، مارس ۱۹۶۶، شماره‌های ۱ و ۵، مه - ژوئن ۱۹۶۶، ص ۱. باختر امروز، دوره سوم، شماره ۱۱، فوریه ۱۹۶۵، صص ۱ و ۶.  
 ۳. رک به شانزدهم آذر، شماره ۵، مه - ژوئن ۱۹۶۶، صص ۱ و ۳ و شماره ۶، تابستان ۱۹۶۶، صص ۱-۲.

به زندانی شدن و شکنجه هفت دانشجوی پزشکی دانشگاه تهران را دریافت کرد که یکی از آنان هوشنگ تیزابی بعدها در زندان کشته شد.<sup>۱</sup>

کنگره سال ۱۹۶۶ عضو جدیدی را بر تشکیلات خود افزود که نمایندگی دانشجویان ایرانی در ترکیه را بر عهده داشت و از این طریق مبارزات دانشجویی کنفدراسیون به یک کشور دیگر گسترش یافت. در ماه ژوئن، پرویز پورمهدی دبیر اول فدراسیون دانشجویان ایرانی در ترکیه در یک کنفرانس مطبوعاتی در استانبول شرکت کرد و پس از آن دولت ایران خواهان استرداد وی شد. پورمهدی بازداشت شد تا مقدمات اخراج او فراهم آید، اما فدراسیون دانشجویان ایرانی در ترکیه و کنفدراسیون حرکت مبارزاتی جدیدی را آغاز کردند که از حمایت اتحادیه ملی دانشجویان ترکیه، سازمان‌های دانشجویی عرب و بعضی از نمایندگان پارلمان و احزاب سیاسی ترکیه برخوردار شد و در نتیجه پورمهدی آزاد و با دریافت ویزای سوریه توانست ترکیه را ترک کند.<sup>۲</sup>

در همان سال روابط بین‌المللی کنفدراسیون با تحولات جدید بیشتری مواجه شد. در ماه اوت اتحادیه ملی دانشجویان روسیه شوروی از هیئت نمایندگی کنفدراسیون دعوت کرد تا در یک کنگره بین‌المللی دانشجویان در لنینگراد شرکت کند. در خطابه هیئت نمایندگان کنفدراسیون که در این کنگره قرائت شد، فهرستی از افراد اعدامی و زندانی در ایران اعلان شد و از روابط کشورهای سوسیالیستی با رژیم شاه انتقاد گردید. چنین استدلال شد که مبارزه جهانی برای دستیابی به صلح بدون احترام به دموکراسی و حاکمیت ملی قرین موفقیت نخواهد شد. سپس بیانیه‌ای در بین حضار پخش شد که ابعاد گسترده سرکوب توسط رژیم شاه را محکوم

۱. شانزدهم آذر، شماره ۷، پائیز ۱۹۶۶ صص ۳ و ۱ و شماره‌های ۳ و ۴، مارس - آوریل ۱۹۶۷، ص ۶.

۲. رک به باختر امروز، دوره سوم، شماره ۲۰، نوامبر ۱۹۶۶، ص ۸.